

فهم القرآن الحكيم؛ التفسير الواضح حسب ترتيب النزول

(القسم الاول)

نویسنده: محمد عابد الجابری ■ ترجمه: علی محمدی

محمد عابد الجابری متولد ۱۹۳۶ در مغرب و صاحب دانش نامه دکتری در رشته فلسفه از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رباط است. وی متفکر نوپرداز، پراوازه و جنجال برانگیز دهه‌های هشتاد و نود قرن بیستم جهان عرب است. از ویژگی‌های ممتاز او وجود اندیشه‌ای نظام‌مند در آثارش است. او نوشته‌هایش را از مبادی مشخصی آغاز کرده و اهداف کاملاً خاصی را در نظر دارد و در چارچوبی مشخص و نیز با به کارگیری روش و مفاهیمی ویژه سعی در اثبات آن‌ها دارد. ویژگی دیگر او عبور از گفتمان‌های حاکم بر فضای روشنفکری دو دهه شصت و هفتاد و ترسیم افقی نوین فراروی پژوهشگران و نیز طرح و کشف مفاهیمی تازه در عرصه مطالعات انتقادی میراث عربی - اسلامی است.

جابری بیشتر در آثار به نقد میراث پرداخته است. از این رو، وی بعد از نگارش کتاب الخطاب العربی المعاصر (گفتمان معاصر عربی) (۱۹۸۲) نگاه خود را به مسئله مهم نقد عقل عربی دوخت و این مرحله



فهم القرآن الحكيم: التفسير الواضح حسب ترتيب النزول (القسم الاول)، الدكتور محمد عابد الجابری، مركز دراسات الوحدة العربية، بيروت، ۲۰۰۸.

با نگارش و انتشار کتاب تکوین العقل العربی (تکوین عقل عربی) (۱۹۸۴) آغاز شد و سپس با انتشار کتاب بنية العقل العربی (ساختار عقل عربی) (۱۹۸۶) و العقل السياسي العربی (عقل سیاسی عربی) (۱۹۹۰) ادامه یافت. از دیگر آثار وی می‌توان به نحن و التراث (ما و میراث) (۱۹۸۰)، التراث و الحدائث (میراث و مدرنیسم) (۱۹۹۱)، مدخل الى فلسفة العلوم (درآمدی بر فلسفه علوم) (۱۹۷۶)، اشکالیات الفكر العربی المعاصر (ایده‌های اندیشه معاصر عربی) (۱۹۸۸) و چند کتاب دیگر و تعدادی مقاله است. رساله دکتری وی با عنوان فکر ابن خلدون: العصبية و الدولة معالم نظرية خلدونية في التاريخ الاسلامی (اندیشه ابن خلدون: عصبیت و دولت؛ ویژگی‌های نظریه ابن خلدون در تاریخ اسلامی) در سال ۱۹۷۱ منتشر شد. یکی دیگر از آثار وی که مورد توجه و بحث قرار گرفت کتاب مدخل إلى القرآن (درآمدی بر قرآن) (۲۰۰۶) است که سبب شد تا او بار دیگر درباره دیدگاه‌هایش از سوی مجامع، محافل و اشخاص مختلف مورد انتقاد قرار گیرد و حتی فتاوای تکفیر نسبت به او از سوی الازهر مصر داده شود. گفتنی است اغلب آثار وی به زبان‌های دیگر از جمله ترکی، فارسی، اسپانیولی، انگلیسی و ... ترجمه و منتشر شده است.

دکتر عابد الجابری در این کتاب بخش اول از پروژه نگارش تفسیر قرآنی‌اش را با عنوان فهم قرآن حکیم: تفسیر روشن بر اساس ترتیب نزول ارائه می‌کند. این پروژه شامل سه بخش است که مؤلف طی آن نتیجه کلی و عملی‌ای را که از مطالعه و پژوهش تفاسیر قرآنی به دست آورده است، منعکس می‌کند. وی در مطالعاتش به این نتیجه رسیده است که کتابخانه عربی و اسلامی نیازمند تفسیری است که در فرآیند فهم و درک مفاهیم، از تمام عناصر تفاسیر پیشین استفاده کرده باشد.

مؤلف در پروژه خود به این اشاره می‌کند که پذیرش این مسئله که قرآن کریم به هر زمان و مکانی تعلق دارد، حکم می‌کند که ما نیز با دگرگونی و تحولات شرایط هر عصری، فهم امروزی از قرآن کسب کنیم. وی در تشریح روش خود گزارش می‌کند که با قرآن به‌مثابه نصی که بر حاشیه‌ها و پاورقی‌هایش عبارت‌ها، مثل‌ها، قصه‌ها، وعد و وعیدها و ... نوشته می‌شود، برخورد نکرده است. وی اضافه می‌کند که هدفش توضیح این مسئله است که فهم قرآن کریم فقط نگاه کردن به متنی که حاشیه و پاورقی‌اش مملو از تفسیرها و تأویلات است، نمی‌باشد. همچنان که مراد از تفکیک این نص از آن حاشیه‌ها و پاورقی‌ها، کنار گذاشتن و عدم توجه به آنها نیست، بلکه پیوند دادن آنها به زمان و مکان خودشان است تا ارتباط ما در این عصر با همان نص، که اصالت دائمی دارد، تسهیل شود؛ نصی که فراتر از فهم‌های گوناگونی است که در کتاب‌های تفسیر با روش‌ها و رویکردهای مختلف تدوین شده است.

عابد الجابری اشاره می‌کند که فهم کتاب حکیم به معنای آغاز اطمینان از صحت هرگونه ترتیب نزولی است که می‌خواهیم آن را دریافت کنیم و آن به مفهوم بازسازی ترتیبی است که فهرست‌های روایت شده روایاتی را ارائه می‌دهند که درباره تاریخ نزول سوره‌ها یا درباره مناسبت‌های نزول بعضی از آیات - چه با ترتیب آن فهرست‌ها موافق باشد و چه مخالف باشد - سخن می‌گوید. علاوه بر آن، به باور مؤلف، بازنگری در ترتیب نزول باید مبتنی بر تفکیک مسئله مکی و مدنی بودن سوره‌ها و آیات باشد. مؤلف در تفسیر قرآن با ساماندهی و تنظیم - اغلب - موضوعی روایات، اخبار و استنباط‌های بسیاری که مفسران نقل کرده‌اند، بر آن بوده است تا مقصودش روشن‌تر بیان شود. از این‌رو موضوع تفسیر هر سوره را به سه بخش مقدمه، حاشیه‌ها و تعلیق (شرح) تقسیم کرده است.

بخش مقدمه شامل معرفی کوتاهی است که جابری در آغاز هر سوره آورده و در آن مهم‌ترین روایات را درباره اسباب نزول سوره‌ها یا برخی از آیات یا روایاتی را که به فهم یا تعیین تاریخ نزول سوره یا شرایط نزول کمک می‌کند، ذکر کرده است. وی همچنین در مقدمه سوره‌ها کوشیده است تا حد امکان سلسله سندها را کوتاه کند، چراکه، به باور وی، نقل آنها جز برای متخصصان و پژوهشگران این حوزه سودی ندارد.

بخش حاشیه‌ها که در پایین صفحات آمده است، شامل شروح و تعلیقاتی است که گاهی نیاز است که ذکر شود تا خواننده از رأی و نظر مفسر خاصی یا روایات یا ملاحظات که آوردن آنها در داخل متن مقدر نیست، آگاه شود.

در بخش تعلیق (شرح) هر سوره نیز مؤلف مهم‌ترین قضایایی که هر سوره را بررسی می‌کند، همراه با رأی و نظر خود درباره آن را به صورت خلاصه و فشرده ذکر کرده است.

الجابری در تسلسل سوره‌ها بر اساس ترتیب نزول، میان مراحل که در آنها سازگاری نسبی حداقلی بین مسیر وحی و مسیر دعوت را در نظر داشته، تمایز قائل شده است تا این نتیجه‌گیری را کند که با وجود اینکه قرآن کریم طی بیش از بیست سال نازل شد، اما تسلسل سوره‌ها بر اساس ترتیب نزول، دارای سلسله‌ای منطقی است و هنگامی که به موضوعی که مجموعه‌ای از سوره‌ها را شامل می‌شود، توجه می‌کنیم، بی‌درنگ این تسلسل منطقی را کشف و درک می‌کنیم و با بازنگری حوادث این سیر و جریان درمی‌یابیم که آن منطقی که تسلسل سوره‌های هر مجموعه دارد، از نظر مفهومی نیز با تسلسل این حوادث سازگاری دارد، چیزی که به روشنی نشان‌دهنده این است که مسیر وحی با مسیر دعوت همسو است.

بر این اساس جابری مسیر وحی و مسیر دعوت را در عصر مکی به شش بخش تقسیم کرده است:

مرحله اول: نبوت، ربوبیت و الهیت

مرحله دوم: رستاخیز، جزا و صحنه‌های قیامت

مرحله سوم: باطل شمردن شرک و پست شمردن بت پرستی
این مراحل سه‌گانه مطالب بخش اول این کتاب را، که ۵۲ سوره را دربرمی‌گیرد، تشکیل می‌دهد. نخستین سوره این بخش سوره «علق» (اولین سوره نازل شده بر پیامبر اکرم) و آخرین آن سوره «یوسف» است. اما دیگر سوره‌های باقی‌مانده مکی مراحل چهارم، پنجم و ششم را تشکیل می‌دهند که موضوع بخش دوم کتاب است که طبق اعلام مؤلف تا پایان سال میلادی جاری منتشر خواهد شد. بخش سوم این کتاب نیز قرآن مدنی را شامل می‌شود که مؤلف در حال حاضر آن را در دست تألیف دارد.

جابری در معرفی کلی تفسیرش اشاره می‌کند که سوره‌های نخستین در فهرست ترتیب نزول از نظر کوتاهی سوره و آیات و اسلوب خاصشان از سوره‌های دیگر متمایز هستند. همچنان که خطاب این سوره‌ها به نبی مکرم اسلام (ص) است و مضامین آنها یا سخن گفتن خطاب به او و درباره او یا پاسخ دادن به دشمنان منکر رسالت آن حضرت است. از مهم‌ترین ویژگی‌های دیگر این سوره‌ها استفاده از نام «رب» از جمله در آیات «اقرأ باسم ربک» (بخوان به نام پروردگارت،^۱ سوره علق: ۱) و «و ربک فکبر» (و پروردگارت را به بزرگی یاد کن، سوره مدثر: ۳) است و مؤلف در اینجا اشاره می‌کند که اسم جلاله «الله» فقط پس از سوره «اخلاص»، سوره بیست و دوم و ما بعد آن (طبق ترتیب نزول مورد اعتماد) و نوزدهمین سوره (براساس ترتیب مؤلف) استفاده شده است.

مؤلف در بررسی سوره تکویر اشاره می‌کند که این سوره شامل دو بخش است. بخش اول، به بیان پدیده‌های مصیبت‌بار و ناگواری اختصاص دارد که بر برپایی رستاخیز دلالت دارد و علائم رستاخیز نامیده می‌شود و پاسخ آن «علمت نفس ما أحضرت» (آن‌گاه است که هر کس بداند آنچه را حاضر آورده است، تکویر: ۱۴) می‌باشد؛ یعنی این که هر کسی با توجه به آنچه در کارنامه‌اش اعم از نیکی‌ها و بدی‌ها آمده است، مورد محاسبه قرار خواهد گرفت و مقصود از آن اثبات روز رستاخیز و حساب است. بخش دوم که به آن سوگند یاد شده است، سخن درباره ستاره‌هایی است که در مدار حرکت می‌کنند و نیز پدیده شب و روزی که از آن حادث می‌شود. در پاسخ این بخش نیز آمده است که حضرت محمد(ص) مجنون و متأثر از جن نیست، بلکه این کتاب از سوی خداوند یاد و پندی برای جهانیان و راه راست برای آنان است.

جابری همچنین در بررسی سوره «اللیل» می‌نویسد که ما در

این سوره با یک گفتمان روشن و مستقیمی درباره روز رستاخیز و حساب یعنی معاد رو به رو هستیم که در ترکیب و نظم به سوره تکویر شباهت دارد، از این نظر که اولاً گفتمان قرآنی را درباره مسئله معاد پی‌ریزی می‌کند و ثانیاً برای اولین محور جدیدی درباره یک مسئله اجتماعی به نام انفاق به فقرا را بررسی می‌کند. مؤلف کتاب خود را با بخشی با عنوان «استطرد» به پایان می‌برد. وی در این بخش اشاره می‌کند که دعوت از لحظه نخست در مسیر دعوت محمدی با توحید آغاز شد؛ لحظه‌ای که «اقرأ باسم ربک الذی خلق» تلاوت شد و در آن سه مرحله جریان یافت که عبارت‌اند از: تأیید و تثبیت نبوت؛ تصدیق روز رستاخیز؛ و باطل شمردن شرک و بت‌پرستی. ■

پی‌نوشت:

۱. در برگردان آیات قرآنی از ترجمه آقای حسین استادولی استفاده شده است؛ قرآن کریم، ترجمه حسین استادولی، انتشارات اسوه (وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه)، چاپ اول، ۱۳۸۵.